



An Argumentative Analysis of the Essential Features of the Islamic Revolution from the perspective of Contemporary Political Wisdom

Hadi Shojaee¹

1. Assistant Professor, Imam Khomeini Education and Research Institute, Qom, Iran. shojaehadi@yahoo.com



Abstract

Irrespective of its historical context, the Islamic Revolution exhibits distinct fundamental characteristics that contemporary political thinkers have identified and articulated. Examining these features and formulating them in a persuasive manner can contribute to the development of a comprehensive model of revolution that transcends spatial and temporal boundaries. The primary objective of this research is to address two key questions. Firstly, what are the essential philosophical features of the Islamic Revolution as perceived through the lens of political wisdom? Secondly, how have contemporary philosophers formulated and presented these features in their arguments? To accomplish this, I employ an argumentative approach that involves analyzing the fundamental data found in the works of contemporary political thinkers. This method allows for a comprehensive examination of the essential features of the Islamic Revolution, which can be categorized into two main groups: internal construction and external construction. The internal construction

* Shojaee, H. (2023). An Argumentative Analysis of the Essential Features of the Islamic Revolution from the perspective of Contemporary Political Wisdom. *Journal of Political Science*, 26(101), pp.78-116. <https://doi.org/10.22081/psq.2023.66499.2780>

* **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom, Iran.

* **Type of article:** Research Article

Received: 2023/02/25 • **Revised:** 2023/03/10 • **Accepted:** 2023/03/15 • **Published online:** 2023/03/18

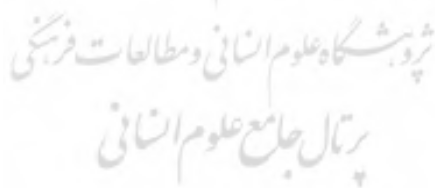
© The Authors



encompasses features such as monotheistic construction, sharia-based construction, conscious construction, while the external construction includes cultural construction, construction based on inner societal transformation, and general construction. Throughout the research, we present arguments supporting the inclusion of each feature in the model of the Islamic Revolution. The findings suggest that the Islamic Revolution possesses distinct characteristics that, while sharing certain similarities with other revolutions worldwide, set it apart. These features can be traced back to intangible sources within the revolutionary society, shaping its internal dimension and defining its fundamental essence. Additionally, other features stem from the objective manifestations of the society, which define how the Islamic Revolution is objectively structured, and yet portray its external appearance. The Islamic Revolution can be characterized as a monotheistic uprising, driven by a profound sense of consciousness and a commitment to sharia. Additionally, by leveraging cultural dimensions and fomenting an internal revolution among the masses, it successfully mobilized diverse segments of society to dismantle the existing ruling system and establish an ideal state.

Keywords

Argumentative analysis, Islamic Revolution of Iran, Islamic political wisdom, political philosophers.



تحليل استنتاجي للخصائص الجوهرية في الثورة الإسلامية من منظور الحكمة السياسية المعاصرة*

هادي شجاعی^١

١. أستاذ مساعد، مؤسسة الإمام الخميني للتعليم والبحث، قم، إيران. shojaeehadi@yahoo.com



الملخص

بغض النظر عن الأمثلة التاريخية ومعناها الفلسفي، للثورة الإسلامية خصائصها الجوهرية التي صاغها الحكماء السياسيون المعاصرون. يوفر استقراء هذه الخصائص وشرح صياغتها البرهانية طريقة لتأطير نموذج عام للثورة، بغض النظر عن أبعاد الزمان والمكان. سعى البحث الراهن للإجابة على سؤالين أساسيين هما: أولاً، ما هي الخصائص الجوهرية للثورة الإسلامية في بعدها الفلسفي من منظور الحكمة السياسية؟ ثانياً، كيف تصوغ الحكماء المعاصرون هذه السمات بطريقة استنتاجية؟ في هذا الاتجاه، بأسلوب منطقي قائم على تحليل البيانات الأساسية في أعمال الحكماء السياسيون المعاصرين، تم عرض شرح شامل للخصائص الجوهرية للثورة الإسلامية ضمن فئتين: الخصائص الجوهرية المتعلقة بالتكوين الداخلي، بما في ذلك التكوين التوحيدي والتكوين الشرعي والتكوين الواعي، والخصائص الجوهرية المتعلقة بالتكوين الخارجي، بما في ذلك التكوين الثقافي والتكوين القائم على التحول الداخلي للمجتمع والتكوين العام، كما تم التأكيد على موقع كل من الميزات في نموذج الثورة الإسلامية. أظهرت النتائج أن للثورة الإسلامية خصائص مميزة تميزها عن غيرها من الثورات في العالم على الرغم من وجود بعض القواسم المشتركة. بعض هذه الخصائص متجذرة في الموارد غير المادية للمجتمع الثوري، وتنظم معاً البعد الداخلي للثورة وتمثل محتواها

* شجاعی، هادي. (٢٠٢٣). تحليل استنتاجي للخصائص الجوهرية في الثورة الإسلامية من منظور الحكمة السياسية المعاصرة. فصلية علمية محكمة علوم سياسي، ٢٦(١٠١)، صص ٧٨-١١٦.

الأساسي، وبعضها الآخر متجذّر في المظاهر المادية للمجتمع، وكما يمثل نوعية هيكلية الثورة الإسلامية يرسم أيضاً وجهها الخارجي. ناتج هذه الخصائص يصف الثورة الإسلامية بأنها انتفاضة تقوم على الأنطولوجيا التوحيدية، حيث في إطارها ينهض مجتمع ثوري بوعي معتمداً على برامج الشريعة، وبالاعتماد على البعد الثقافي وعبر خلق ثورة داخلية في الجمهور تستنهض الجماهير من مختلف القطاعات في المجتمع لإسقاط النظام الحاكم وإحلال الوضع الأمثل.

كلمات مفتاحية

التحليل الاستنتاجي، الثورة الإسلامية الإيرانية، الحكمة السياسية الإسلامية، الحكماء السياسون.



تحلیل استدلالی ویژگی‌های ذاتی انقلاب اسلامی از منظر حکمت سیاسی معاصر*

هادی شجاعی^۱

۱. استادیار مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران. shojaehadi@yahoo.com



چکیده

انقلاب اسلامی فارغ از مصادیق تاریخی و در مفهوم فلسفی آن، دارای ویژگی‌های ذاتی مختص به خود است که توسط حکیمان سیاسی معاصر صورت‌بندی شده است. استقراء این ویژگی‌ها و تبیین صورت‌بندی برهانی آنها، راه را برای چارچوب‌بندی الگویی عام از انقلاب، فارغ از بُعد زمانی و مکانی فراهم می‌کند. پژوهش حاضر در صدد پاسخ به دو سؤال اساسی بوده است: اولاً ویژگی‌های ذاتی انقلاب اسلامی در بُعد فلسفی آن از منظر حکمت سیاسی چیست؟ ثانیاً این ویژگی‌ها چگونه توسط حکیمان معاصر به صورت استدلالی صورت‌بندی می‌شود؟. در این جهت، با روش استدلالی مبتنی بر تحلیل داده‌های بنیادین در آثار حکیمان سیاسی معاصر، تبیینی جامع از ویژگی‌های ذاتی انقلاب اسلامی در دو دسته ویژگی‌های ذاتی ناظر به ساخت درونی، شامل ساخت توحیدی، ساخت شریعت‌مدارانه، ساخت آگاهانه، و ویژگی‌های ذاتی ناظر ساخت بیرونی، شامل ساخت فرهنگی، ساخت مبتنی بر تحول درونی جامعه و ساخت همگانی ارائه شده و جایگاه هر یک از ویژگی‌ها در الگوی انقلاب اسلامی به صورت برهانی مستدل گردید. نتایج نشان داد که انقلاب اسلامی دارای ویژگی‌های ممتازی است که آن را به رغم وجود برخی مشترکات، از دیگر انقلاب‌های دنیا متمایز می‌سازد. برخی از این ویژگی‌ها

* **استناد به این مقاله:** شجاعی، هادی. (۱۴۰۲). تحلیل استدلالی ویژگی‌های ذاتی انقلاب اسلامی از منظر حکمت سیاسی معاصر. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی، ۲۶(۱)، ۷۸-۱۱۶.

<https://doi.org/10.22081/psq.2023.66499.2780>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقر العلوم (ره) قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷



ریشه در منابع ناملموس جامعه‌ی انقلابی داشته، روی هم رفته بُعد درونی انقلاب را سامان می‌دهند و معرف محتوای بنیادین آن می‌باشند و برخی دیگر، در مظاهر عینی جامعه ریشه داشته، ضمن آن که معرف کیفیت ساخت‌بندی عینی انقلاب اسلامی هستند، چهره‌ی بیرونی آن را نیز ترسیم می‌کنند. برایند این ویژگی‌ها، انقلاب اسلامی را قیامی مبتنی بر هستی‌شناسی توحیدی توصیف می‌کند که در چارچوب آن، جامعه‌ی انقلابی به صورتی آگاهانه و مبتنی بر نرم‌افزار شریعت، به خروش در می‌آید و با تکیه بر بُعد فرهنگی و ایجاد انقلاب درونی در توده‌های مردم، اقشار گوناگون جامعه را برای سرنگونی نظام حاکم و استقرار وضع مطلوب به حرکت در می‌آورد.

کلیدواژه‌ها

تحلیل استدلالی، انقلاب اسلامی ایران، حکمت سیاسی اسلامی، حکیمان سیاسی.



مقدمه

مطالعه‌ی علمی پیرامون ابعاد گوناگون انقلاب اسلامی، تحت تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در کانون توجه محققین حوزه‌ی انقلاب‌ها و به‌ویژه حکیمان و فیلسوفان برجسته‌ی سیاسی معاصر قرار گرفت و موجب طرح این سؤال اساسی شد که «آیا انقلاب ایران را باید به‌عنوان یک مورد منحصر به فرد، خلاف سایر انقلاب‌ها مورد بررسی قرار داد و یا این که علت انقلاب‌ها را باید در پرتو شواهد ایران، مجدداً مورد مذاقه قرار داد؟» (فوران، ۱۳۷۹، ص ۳۲۸). با گذشت زمان، انقلاب اسلامی ایران که به‌عنوان بزرگ‌ترین پدیده‌ی سیاسی جهان معاصر شناخته شده است، سبب خلق آثار بسیاری شد که یا به تاریخ‌نگاران و اقتصاددانانی تعلق داشت که کنجکاو یافتن علل این حرکت بودند و یا از آن سیاست‌شناسانی بود که بیش‌تر، جذب نتایج و بازتاب آن خصوصاً پیامدهای بین‌المللی آن شده بودند (دیگارد، ۱۳۸۴، ص ۱۱۶). تمایزات غیرقابل‌انکار انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها از همان ابتدا موجب شد همچون یک پدیده‌ی اصیل و بدیع، دریافت و شناخته شود و خیلی زود و شتابان با صفت غیرعقلانی مورد ارزیابی قرار گیرد؛ زیرا ریشه در بنیان‌هایی داشت که برای دنیای مدرن در حوزه‌ی انقلاب‌ها ناشناخته بود و از این جهت، پاسخ‌گوی راه و روش‌های کلاسیک و برآورده‌کننده‌ی انتظارات نظریه‌پردازان انقلاب در غرب نبود. این امر موجب شد حکیمان و فیلسوفان سیاسی مسلمان، مطالعات دامنه‌داری را پیرامون انقلاب اسلامی سامان دهند تا از رهگذر تبیین بنیان‌ها و ابعاد گوناگون آن، به توضیح چپستی، چرایی و چگونگی انقلاب اسلامی به روش استدلالی بپردازند و از این طریق، طرحی نو در حوزه‌ی نظریه‌پردازی پیرامون انقلاب‌ها دراندازند. این اثر، تلاش می‌کند رویکرد فلسفی حکیمان سیاسی معاصر به انقلاب اسلامی را در حوزه‌ی بررسی ویژگی‌های ذاتی انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار دهد و بر این اساس، هم درک دقیقی از ماهیت انقلاب اسلامی ارائه دهد و هم ابعاد گوناگون آن را به‌صورت مستدل تحلیل نماید تا از این طریق بتوان انقلاب اسلامی را جدا از مصادیق تاریخی آن و صرفاً به‌عنوان الگویی برای تحرک اجتماعی و انقلاب به جهانیان و به‌ویژه امت اسلامی ارائه نمود. افزون بر آن که، طرح رویکرد

استدلالی حکیمان معاصر درباره‌ی انقلاب اسلامی، می‌تواند موجب استحکام بیش‌ازپیش داده‌های بنیادین پیرامون انقلاب اسلامی ایران و تسهیل در فهم ماهیت و پیامدهای مثبت انقلاب اسلامی برای مخاطبین شود. بدین منظور، دیدگاه‌های حکیمان سیاسی معاصر همچون امام خمینی علیه‌السلام، مقام معظم رهبری، آیت‌الله مصباح یزدی علیه‌السلام، آیت‌الله جوادی آملی، استاد مطهری علیه‌السلام، آیت‌الله صدر علیه‌السلام و... به روش تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر اسناد نوشتاری و گفتاری حکیمان مذکور مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این جهت، ابتدا چارچوب مفهومی پژوهش تجزیه و تحلیل می‌شود و سپس در بخش اصلی مقاله، ویژگی‌های انقلاب اسلامی در دو بخش ویژگی‌های ناظر به ساخت درونی و ویژگی‌های ناظر به ساخت بیرونی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. چارچوب مفهومی

مفهوم‌شناسی صحیح و دقیق از مفاهیم بنیادین پژوهش از چند جهت در ارائه‌ی پژوهش کارآمد در حوزه‌های گوناگون مؤثر است: نخست آن‌که با تحدید مرز معنایی مفاهیم، از خلط مباحث و سوء برداشت نسبت به گستره‌ی معنایی مفاهیم جلوگیری می‌کند و با ارائه‌ی قدر متیقنی از معنای مورد نظر، توافقی عملی میان پژوهش‌گر و مخاطب پژوهش در فرایند کار ایجاد می‌گردد. دوم؛ مفهوم‌شناسی عالمانه می‌تواند در طراحی نقشه‌ی راه پژوهش مؤثر باشد؛ زیرا با تبیین مفاهیم بنیادین و جایگاه هر یک در ساختار پژوهش، ظرفیت معنایی آنها در پیشبرد هدف پژوهش‌گر را مشخص می‌سازد و از این طریق، کاربرست مفاهیم در بخش‌های مختلف پژوهش را تسهیل می‌کند. با این وصف ضروری است قبل از آغاز بحث، زوایای تاریک و روشن مفاهیم اصلی مورد کنکاش جدی قرار گیرد.

۱-۱. انقلاب اسلامی

انقلاب در زبان فارسی به معنای واژگون‌شدن و برگشتن از کاری و حالی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۳۵۷۸) و به‌عنوان برابرنهاد «revolution» در زبان انگلیسی به کار

می‌رود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۲۴). «revolution» به معنای حرکت دایره‌ای کامل پیرامون یک نقطه، تغییر بزرگ در شرایط، روش‌های کار، باورها و غیره که بر بسیاری از مردم تأثیر می‌گذارد و درنهایت، تلاش تعداد زیادی از مردم برای تغییر حکومت یک کشور، به‌ویژه با اقدامات خشونت‌آمیز، به کار می‌رود (Oxford Learners Dictionaries, Following Revolution, 2020)؛ واژه‌ی «revolution» به‌رغم آن‌که اغلب به‌صورت تمثیلی برای اشاره به هرگونه تغییر گسترده در جامعه مانند انقلاب علمی و انقلاب فناوریانه به کار می‌رود (Robertson, 2004, pp. 428-429)؛ اما نزد حکیمان سیاسی به معنای تحوّل سریع، شدید و بنیادین است که بر اثر طغیان عموم مردم در اوضاع و احوال سیاسی جامعه روی می‌دهد و در نتیجه، یک نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی جای خود را به نظام دیگری می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، صص ۲۴-۲۵).

حکیمان مسلمان، تعاریف گوناگونی از انقلاب اسلامی ارائه کرده‌اند که می‌توان آنها را در ضمن چند دسته، تقسیم‌بندی کرد: برخی حکیمان در تعریف خود از انقلاب اسلامی، بر بنیان‌ها و اهداف الهی، انسانی و اسلامی تأکید می‌کنند. از دیدگاه شهید مطهری، انقلاب اسلامی، انقلابی است که ماهیت، راه و هدف اسلامی دارد (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۶۵) و انقلابی الهی و انسانی است که بر شور الهی، نشاط معنوی و ارزش‌های انسانی پایه‌گذاری می‌شود (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۴۶۴). طبق تعریف آیت‌الله مصباح یزدی، انقلاب اسلامی به معنای انقلابی است که در همه‌ی ابعاد خود از جهان‌بینی اسلامی ریشه می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ «الف»، ص ۴۱۰)؛ چنان‌که امام خمینی علیه‌السلام نیز آن را عبارت از انقلابی می‌داند که در چارچوب آموزه‌های اسلامی انجام می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۲۷۱).

تعاریف دسته دوم، انقلاب اسلامی را با توجه به تحوّل که در جامعه ایجاد می‌کند، تعریف می‌کنند. از این دیدگاه، انقلاب اسلامی به معنای تحوّل جامعه‌ی طاغوتی مبتنی بر ظلم، به جامعه اسلامی مبتنی بر موازین اسلامی است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۴۸۰). آیت‌الله مصباح یزدی در تعریف دیگری، انقلاب اسلامی را عبارت از حرکتی بنیادین و تحوّل اساسی در اوضاع و احوال سیاسی جامعه، بر اساس آموزه‌های اسلامی و به‌منظور

جایگزین نمودن نظامی مبتنی بر اصول و احکام اسلامی می‌داند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ «ب»، ص ۹۸). آیت‌الله خامنه‌ای نیز انقلاب اسلامی را به‌مثابه‌ی تحول بنیان‌برافکن سنت‌ها و نظام طاغوتی قلمداد می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۵/۲۴). از دیدگاه وی، انقلاب اسلامی حرکتی در مسیر پیشرفت ملت است که تحوّل عظیم در ارکان فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آن ایجاد می‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳) و در واقع، انقلابی است که به زنده کردن دوباره‌ی اسلام منجر می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۴/۲۲). تعاریف دسته‌ی سوم، صرفاً بر ماهیت تجدیدنظرطلبانه و طغیان‌بودن انقلاب اسلامی تأکید می‌کند و آن را عبارت از طغیان بر ارزش‌های جاهلی و نظام‌های طاغوتی می‌داند که موجب فراگیرشدن ظلم، فساد، تبعیض و دیگر مفسد اجتماعی در میان ملت‌ها می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۳/۲۶). با توجه به تعاریف ارائه‌شده، می‌توان انقلاب اسلامی را به معنای انقلابی مبتنی بر ارزش‌های انسانی و آموزه‌های اسلامی دانست که به‌منظور جایگزین نمودن نظام طاغوت با نظام اسلامی انجام می‌شود و تحوّل بنیادین در همه‌ی ابعاد اجتماعی ایجاد می‌کند.

۲-۱. تحلیل استدلالی

از دیدگاه اهل منطق، تحلیل، عبارت از فرایندی است که در ضمن آن، موضوع واحد ترکیب‌شده از اجزای خارجی یا ذهنی، تجزیه می‌شود (نصیرالدین طوسی، ۱۳۷۵، صص ۴۲۵-۴۲۶). تحلیل به دو قسم ذهنی و خارجی تقسیم می‌گردد. مقصود از تحلیل در این پژوهش، تحلیل ذهنی است که به معنای تحلیل معانی کلی برای دست‌یافتن به اجزای ذاتی و عرضی آنها است و به آن تحلیل عقلی نیز گفته می‌شود (علامه حلی، ۱۳۸۱، صص ۲۲۳-۲۲۴). در واقع تحلیل، فرایندی است که هدف از آن، چیزی فراتر از فهم و افزایش دانسته‌ها درباره‌ی یک موضوع است، بلکه صرف‌نظر از این که با تجزیه‌ی یک موضوع، آگاهی ما را از چیستی آن افزایش می‌دهد، بر اساس رویکرد کاربردی، زمینه‌ی تصمیم‌گیری مبتنی بر نتایج تحلیل را نیز فراهم می‌آورد. تحلیل نیز به روش‌های گوناگون توصیفی و استدلالی امکان‌پذیر است. در روش توصیفی، تحلیل‌گر فارغ از ضرورت اعتباربخشی نسبت به پذیرش نتایج تحلیل، به توصیف جزئیات یک موضوع

می‌پردازد؛ اما در تحلیل استدلالی با تمرکز بر اعتبار و اهمیت پذیرش نتایج، ضمن آن که فرایند تحلیل بر اساس اصول معتبر خود طی می‌شود، تلاش می‌گردد نتایج تحلیل با بیان استدلالی و به صورت برهانی (در معنای عام) به مخاطب منتقل شود. در این پژوهش، داده‌های حکیمان سیاسی در باب مفهوم فلسفی انقلاب اسلامی، به صورت یک ساختمان نظری منسجم در نظر گرفته می‌شود که اجزاء آن را داده‌های برگرفته از آراء مجموعه حکیمان معاصر تشکیل می‌دهند و نویسنده اولاً تلاش می‌کند با ترکیب داده‌های مذکور در قالب معماری نظریه، دریافت حکیمان سیاسی معاصر از ویژگی‌های انقلاب اسلامی را به صورت یک کل منسجم بیان کند؛ و ثانیاً با در نظر گرفتن بُعد حکمی موضوع پژوهش، دیدگاه حکیمان را به صورت استدلالی و در قالب براهین (در معنای عام) مرکب از مقدمات عقلی و نقلی اثبات نماید.

۳-۱. حکمت سیاسی معاصر

واژه‌ی حکمت در تفکر اسلامی متأثر از ادبیات و بینش قرآنی است و به شناخت ماهیت و حقیقت سیاست و همچنین امور و موضوعات سیاسی از طریق جمع بین عقل و وحی اطلاق می‌شود (یوسفی‌راد، ۱۳۸۶، صص ۷۰-۷۱). شهرزوری، حکمت سیاسی را به کیفیت شناخت سیاست‌های فاضله و اصناف آن، ویژگی‌های مدیریت اجتماعی در مدینه‌ی فاضله و شناخت چگونگی بقا و حفظ کشور به صورت مطلوب تعریف می‌کند (شهرزوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۹)؛ بنابراین حکمت سیاسی با هدایت افکار و رفتار سیاسی در بستر جامعه ارتباط مستقیم دارد. نزدیک‌ترین مفهوم به حکمت سیاسی، فلسفه‌ی سیاسی است؛ با این تفاوت که فلسفه‌ی سیاسی بیش تر جنبه‌ی نظری دارد؛ اما حکمت سیاسی دارای دو جنبه‌ی نظری و عملی است؛ زیرا حکمت سیاسی به دانش و دانایی سیاسی درست، مستحکم و متقنی گفته می‌شود که به عمل درست و پسندیده در حوزه‌ی سیاست منجر شود. بر این اساس، حکمت سیاسی در جنبه‌ی نظری، از جهل سیاسی جلوگیری می‌کند و در جنبه‌ی عملی، انسان را از اقدام و رفتار نادرست سیاسی باز می‌دارد. افزون بر این، معنای مستحکم بودن نیز در حکمت سیاسی دیده می‌شود که

تأکیدی بر دوری آن از خطا است (خسروپناه، ۱۳۸۸، صص ۱۸-۲۰؛ برنجکار، ۱۳۷۹، صص ۸۵-۸۹). با توجه به آن چه در مفهوم حکمت سیاسی گفته شد، حکمت دارای چندین مشخصه‌ی بارز است: ۱. غایت حکمت سیاسی، سعادت نظری و عملی انسان است؛ ۲. موضوع حکمت سیاسی، انسان و سعادت اوست؛ ۳. در حکمت سیاسی افزون بر روش عقلی، از وحی، تهذیب نفس و تجربه‌های بشری نیز استفاده می‌شود و حکیم سیاسی مسلمان خود را ملزم می‌داند از منابع و آموزه‌های وحیانی بهره بگیرد (علیخانی، ۱۳۹۷، صص ۲۴۶-۲۴۹). منظور از قید معاصر در عنوان، حکیمان سیاسی یک سده‌ی اخیر است که حکیمانی هم چون امام خمینی علیه السلام، مقام معظم رهبری، آیت‌الله مصباح یزدی علیه السلام، آیت‌الله جوادی آملی، استاد مطهری علیه السلام و شهید صدر علیه السلام را شامل می‌شود.

۲. ویژگی‌های انقلاب اسلامی از منظر حکیمان سیاسی مسلمان

انقلاب اسلامی دارای ویژگی‌های ممتازی است که ریشه در ماهیت، مبانی و مؤلفه‌های متمایز آن دارد؛ به طوری که از منظر حکیمان مسلمان، می‌توان انقلاب اسلامی را در برخی مؤلفه‌ها به عنوان حالتی استثنایی در سرگذشت معمولی انقلاب‌های بزرگ دنیا قلمداد کرد. از این منظر، به رغم آن که انقلاب اسلامی در برخی عناصر و ارکان عمومی خود، با دیگر انقلاب‌ها دارای اشتراکاتی است، اما به اذعان حکیمانی چون آیت‌الله خامنه‌ای، نسبت انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها از دایره‌ی اشتراک لفظی فراتر نمی‌رود و این دو نوع انقلاب، از دو حقیقت متمایز برخوردارند (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۰۶/۳۱؛ ۱۳۶۹/۰۳/۰۷). از این منظر، انقلاب اسلامی دارای ویژگی‌های ذاتی مختص به خود است که در دو دسته ویژگی‌های ناظر به ساخت درونی و بیرونی بررسی می‌شوند:

الف) ویژگی‌های ناظر به ساخت درونی

برخی ویژگی‌های انقلاب از ساخت درونی آن برمی‌خیزند که ریشه در منابع ناملموس جامعه‌ی انقلابی داشته و به نوعی حاکی از درونداد انقلاب اسلامی هستند. این

ویژگی‌ها روی هم رفته بُعد درونی انقلاب را سامان می‌دهند و معرف محتوای بنیادین آن می‌باشند. برخی از آنها عبارت‌اند از:

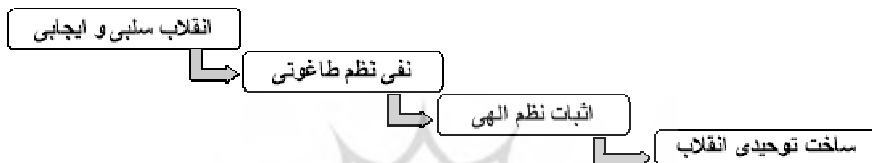
۱. ساخت توحیدی

از دیدگاه حکیمان مسلمان، انقلاب برای خدا، یکی از تفاوت‌های اساسی انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها است. از این منظر، انقلاب اسلامی پدیده‌ای الهی است و ریشه در نگاه توحیدی به هستی و حاکمیت سازوکارهای توحیدی بر روابط اجزا متکثر عالم دارد و از این منظر، بدون پیش فرض قرار دادن ربوبیت تکوینی خداوند در عالم با اتکا به مبانی تحلیل مادی، نمی‌توان تصویر درستی از ماهیت انقلاب اسلامی به دست آورد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، صص ۴۲، ۹۱). از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، دلیل این بهم ریختگی ذهنی را باید در این نکته جست‌وجو کرد که انقلاب اسلامی بر پایه‌ی سنت‌های الهی هم چون «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد، ۷) و مبتنی بر ایمان توحیدی جامعه‌ی انقلابی تحقق می‌یابد؛ بنابراین در ابعاد مختلف، دارای مختصات خاص به خود است. از باب نمونه، طبق دیدگاه وی، تا زمانی که حقیقت توحیدی انقلاب اسلامی پابرجاست و رشته‌ی پیوند جامعه‌ی انقلابی با مبدأ تکوینی خود گسسته نشده است، با هیچ دسیسه‌ای، ولو از طرف قدرت‌های بزرگ جهانی متزلزل نمی‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۰/۲۹).

حکیمان سیاسی مسلمان، ساخت توحیدی انقلاب اسلامی را با چند دلیل اثبات می‌کنند:

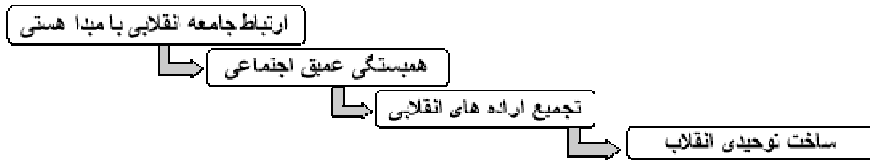
۱. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، قرآن کریم، ایمان به خدا و کفر به طاغوت را از ویژگی‌های انقلاب اسلامی برمی‌شمرد. بنابر آیه «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ يَوْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ» (بقره، ۲۵۶)، انقلاب اسلامی در وجه ایجابی خود مبتنی بر ایمان به خدا و در بُعد سلبی خویش بر پایه‌ی کفر به طاغوت شکل می‌گیرد و این دو عنصر تفکیک‌ناپذیر به صورت توأمان، «عروة الوثقی» الهی را شکل می‌دهند. بر همین اساس، انقلاب اسلامی فلسفه‌ی جدیدی را عرضه می‌کند که در آن، اتکا به خداوند به جای اتکا به

قدرت‌های مادی قرار می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۶/۲۵، ۱۳۸۳/۱۱/۱۹، ۱۳۶۶/۰۶/۳۱). در این نگاه، ایمان اسلامی، ایمانی انقلابی است که ابتدا مردم را به طغیان علیه نظام طاغوتی حاکم و سرنگونی آن فرامی‌خواند و سپس در گام دوم، آنها را به برقراری نظم الهی در جامعه امر می‌کند (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۷۳). ویژگی توحیدی انقلاب اسلامی موجب می‌شود حکیمان مسلمان اولاً تلقی خاصی از انقلاب ارائه کنند که گستره‌ی مبدأ تا معاد را شامل شود، و ثانیاً حوزه‌ی فراگیری انقلاب را به دلیل ربوبیت تکوینی و تشریحی خداوند، همه‌ی ابناء بشر قرار دهند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۳).

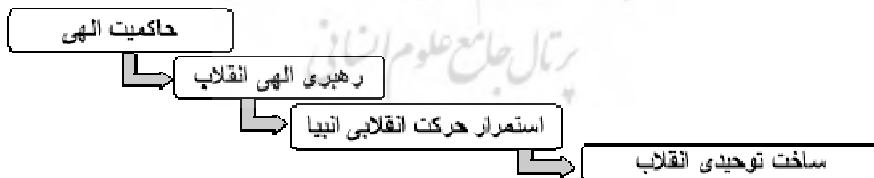


۲. ارتباط با خداوند عامل اصلی پیوند عاطفی و هم‌بستگی مردم در فرایند انقلاب اسلامی است که تحقق آن، بدون اراده‌ی الهی امکان‌پذیر نیست. قرآن کریم، خطاب به رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «لَوْ أَتَقَفْتُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ؛ اگر همه سرمایه‌های دنیا را هم خرج می‌کردی، نمی‌توانستی دل‌های مردم را به هم نزدیک کنی» (انفال، ۶۳). بنابراین، تنها عاملی که می‌تواند اقشار مختلف مردم را با توجه به خواسته‌ها و نیازهای متفاوتشان و با در نظر گرفتن مصائب و مشکلاتی که در مسیر انقلاب وجود دارد، کنار هم نگه دارد، بلکه فراتر از آن، طوری دل‌های انقلابیون را به یکدیگر نزدیک کند که همگی رفع مشکلات خود را در حل مصائب دیگران بیابند و برای آن تلاش کنند، ارتباط با خداوند است (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۴/۰۵)؛ زیرا به گفته‌ی شهید مطهری، این پیوند، پیوندی توحیدی است که به مصداق آیه «آن أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ؛ سزاوارترین مردم به ابراهیم، آنها هستند که از او پیروی کردند» (آل‌عمران، ۶۸)، همه‌ی پیوندهای انسانی دیگر در برابر آن رنگ می‌بازد. اساساً انقلاب توحیدی به معنای پیوند با عقیده، مکتب و خداست و هیچ پیوند دیگری در عرض آن مطرح نیست. از اینجا معلوم می‌شود که شرط ایمان انقلابی، سوختن همه پیوندها در

آتش پیوند انقلابی است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۶۶). این نوع پیوند، موجب تجمیع اراده‌های انقلابی و به حرکت درآوردن مردم در جهت تحقق انقلاب اسلامی است.



۳. با توجه به بنیان‌های حکمت سیاسی، رهبری در انقلاب اسلامی به‌ویژه از دیدگاه مذهب تشیع، شعاعی از حاکمیت ولی خدا و در مرتبه‌ی بالاتر، شعاعی از حاکمیت خداوند است. ولایت در تشریح رهبر انقلاب نیز در چارچوب ولایت تکوینی و تشریحی خداوند اعمال می‌شود و او نماینده‌ی خداوند در هدایت انقلاب اسلامی به‌سوی غایت مطلوب خویش است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ «الف»، ص ۴۱۲). این امر، موجب شکل‌گیری مدلی در رهبری انقلاب می‌شود که مشابه آن را می‌توان در حرکت‌ها و انقلاب‌های انبیاء الهی مشاهده نمود. از همین رو برخی حکیمان، انقلاب اسلامی را تداوم‌بخش حرکت انبیای الهی معرفی می‌کنند و عظمت حقیقی آن نسبت به دیگر انقلاب‌ها را، تحقق بخشیدن به هدف اصلی همه‌ی انبیاء، اولیاء و مجاهدان راه خدا در طول تاریخ می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۲، صص ۳۵۴-۳۵۵) که به تعبیر شهید صدر، انسان را از درون و جهان را از برون به‌طور هم‌زمان آزاد می‌سازد (صدر، ۱۳۹۳، صص ۴۷-۴۹).



توحیدی بودن ساخت انقلاب اسلامی در تحلیل نظریه‌پردازان انقلاب از انقلاب اسلامی ایران نیز برجسته است. میشل فوکو در تحلیل حماسه‌هایی که ملت ایران در فرایند انقلاب اسلامی خود به نمایش گذاشتند، گزاره «انقلاب ما معنوی است» را یکی از پرکارترین گزاره‌هایی معرفی می‌کند که ایرانیان در برخورد با خارجی‌ها و برای

بیان ماهیت انقلاب خود بر زبان جاری می‌کردند. وی خود تأکید می‌کند که: بی‌شک راز انقلاب ایران در همین است. همین امر است که پس از سال‌ها پیروزی ماتریالیسم در غرب و شرق، با برجسته کردن نقش خدا در زندگی اجتماعی بشر، توجه جهانیان را به خود جلب می‌کند (بریر و بلائشه، ۱۳۵۸، ص ۴۰) و دستگاه تحلیلی نظریه پردازان غربی را با چالش جدی مواجه می‌کند. از دیدگاه ایشان، این که شاه منفور بود و توسط میلیون‌ها ایرانی بیرون انداخته شد، بالاخره پذیرفتنی بود، ولی اینکه این طرد و نفی «به نام خدا» صورت گیرد و راه حل مشکلات ایران قرن ۲۰، در الگوهای منتج از قرون وسطی جست‌وجو شود، امری غیرقابل‌باور به نظر می‌آمد، ولی ایرانیان این امر غیرقابل‌باور را باورپذیر نمودند (دیگارد، ۱۳۸۴، صص ۱۲۰-۱۲۱).

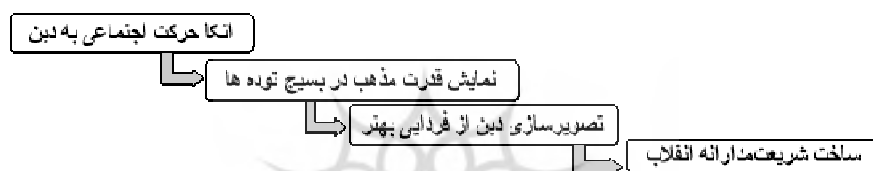
۲. ساخت شریعت‌مدارانه

دین، چنان که جامعه‌شناسان بیان می‌کنند، می‌تواند به‌عنوان عاملی نیرومند و تعیین‌کننده در پدیده‌های اجتماعی مؤثر باشد، به نهادها شکل دهد، بر ارزش‌ها تأثیر بگذارد و روابط اجتماعی را تحت نفوذ خود قرار دهد (زاگرم، ۱۳۸۴، ص ۱۷۵). بر همین اساس حکیمان سیاسی، شریعت‌مداری به معنای عمل به آموزه‌ها و احکام دین در فرایند انقلاب اسلامی را جزئی از ماهیت انقلاب معرفی می‌کنند. از این منظر، برخورداری از ساخت شریعت‌مدارانه موجب می‌شود همه‌ی عناصر انقلاب اعم از اصول، اهداف و حتی روش‌های مبارزاتی از دین گرفته شود. البته ممکن است برخی انقلاب‌های دیگر را نیز بتوان شناسایی کرد که ریشه‌های مبارزاتی آنها از ایمان دینی تغذیه کرده است، ولی آنها در ساختار خود، نقش اثرگذاری برای دین قائل نیستند، درحالی که در انقلاب اسلامی، پایبندی به مبانی دین و اصول و قواعد دینی از ارکان مهم به‌شمار می‌رود (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۰۶/۳۱، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴).

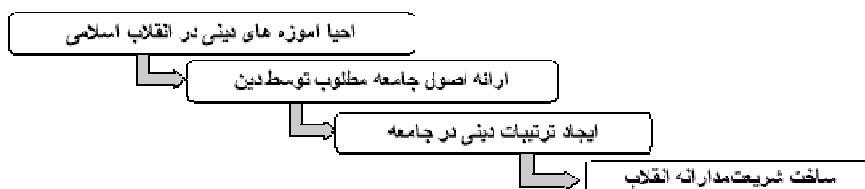
حکیمان مسلمان، نقش آفرینی شریعت در فرایند تحقق انقلاب اسلامی را از چند منظر مورد بررسی قرار می‌دهند:

۱. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی از یک‌سو، با اتکا به دین آغاز

می‌شود و با نمایش قدرت مذهب در بسیج انسان‌ها، دین را از پدیده‌ای منزوی و تشریفاتی، به عنصری تعیین‌کننده در تحولات اجتماعی و عاملی تأثیرگذار در پیروزی انقلاب تبدیل می‌کند. در فرایند انقلاب اسلامی، دین که در نظام طاغوتی حاکم، به یک عنصر بی‌فایده در سرنوشت جامعه تبدیل شده است، قدرت بسیج‌گری خود را به رخ می‌کشد و با ارائه‌ی آرمان‌های جذاب و امید به فردایی بهتر، جامعه‌ی انقلابی را به حرکت وامی‌دارد. با این وصف، ابتدا بر شریعت هم در نقطه‌ی آغازین و هم در فردای پیروزی، از مختصات انقلاب اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۱/۲۷، ۱۳۸۰/۰۸/۱۲، ۱۳۷۱/۱۰/۱۹).



۲. انقلاب اسلامی به معنای احیاء مجدد آموزه‌های اسلام و ایجاد ترتیبات جدید دینی در جامعه است؛ زیرا به لحاظ سیاسی، اراده‌ی قاطع خود بر ضرورت حاکمیت دین خدا و استقرار قدرت سیاسی جدید در چارچوب ارزش‌های اسلامی را بیان کرده و خطوط اصلی جامعه‌ی مطلوب را بر اساس شریعت اسلامی طراحی می‌کند؛ یعنی هم در هدف‌گیری سیاسی به دین نقش محوری می‌دهد و هم آموزه‌های بنیادین شریعت مانند عدالت اجتماعی، استقلال سیاسی و اقتصادی و رشد علمی و اخلاقی را به‌عنوان ارکان حیات اجتماعی جدید، در منظر همگان قرار می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۴/۲۲، ۱۳۶۹/۰۳/۱۰). بنابر آنچه گفته شد، ایجاد زمینه‌ی مطلوب برای حاکمیت آموزه‌های دینی بر حیات اجتماعی نیز بیانگر ویژگی شریعت‌مداری در انقلاب اسلامی است.



نقش پررنگ شریعت‌مداری در شکل‌گیری انقلاب اسلامی از دید تحلیل‌گران انقلاب ایران پنهان نمانده است. از منظر ایشان، موتور اصلی عملی سیاسی در فرایند انقلاب ایران، اسلام بود که نقش بسیج‌گر و حرکت‌آفرین و پویایی و تحرک خاص آن، روند انقلابی در ایران را نسبت به دیگر کشورها منحصر به فرد ساخت (برومبرزه، ۱۳۸۴، ص ۵۷). در واقع، به‌رغم آن‌که دیگرانقلاب‌های بزرگ دنیا هم چون انقلاب روسیه و چین در پی آن بودند که لااقل در تئوری، گذشته را به شیوه‌ای قطعی و صریح نفی کنند، انقلاب اسلامی ایران، تداوم یک بخش پراهمیت در میراث اسلامی ایران است (الگار، بی‌تا، ص ۱۳)؛ زیرا چنان‌که فوکو بیان می‌کند، مذهب برای ایرانیان، نوید و تضمین وسیله‌ای برای تغییر ریشه‌ای ذهنیت‌شان بود. آنان، مذهب اسلام را به منزله‌ی نیرویی انقلابی و چیزی فراتر از اراده به اطاعتی وفادارانه از قانون شرع زیست می‌کردند؛ یعنی اراده به تغییر کل هستی‌شان با بازگشت به تجربه‌ای معنوی که فکر می‌کردند در قلب اسلام شیعه می‌یابند. از همین رو، فوکو تأکید می‌کند که: «اسلام در سال ۱۹۷۸ ایون مردم نبوده است، دقیقاً از آن‌رو که روح یک جهان بی‌روح بوده است» (فوکو، ۱۳۷۹، صص ۶۰-۶۱).

۳. ساخت آگاهانه

از منظر شهید مطهری، انقلاب اسلامی، انقلابی آگاهانه و انتخابی است و نمی‌توان آن را صرفاً مبتنی بر احساساتی چون خشم و مانند آن قلمداد کرد؛ زیرا اتکا صرف به احساسات غلیان‌کرده‌ی اجتماعی، به‌نوعی به استثمار مردم توسط رهبران انقلاب و هدایت قدرت اجتماعی ملت به نفع منافع طبقه‌ی پیش‌رو در انقلاب منجر می‌شود و از این‌رو توسط حکیمان سیاسی رد می‌شود (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۲، صص ۳۱۹-۳۲۰).

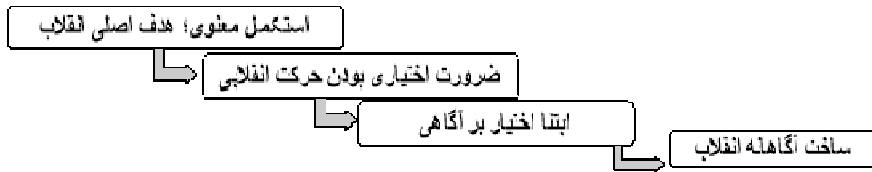
طبق دیدگاه حکیمان سیاسی، انقلاب اسلامی رابطه‌ای دوسویه با آگاهی دارد:

۱. انقلاب اسلامی از یک سو مبتنی بر تفکر و اندیشه و برخاسته از خودآگاهی الهی یا خداآگاهی است؛ به همین دلیل نیز انقلاب سر است، نه انقلاب شکم؛ و مبتنی بر مایه‌های فطری و انسانی جامعه‌ی انقلابی صورت می‌گیرد نه غرایز طبیعی آن (مطهری،

۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴۶۵؛ ج ۲۴، ص ۶۸). این مسئله در انقلاب اسلامی ایران به وضوح قابل مشاهده است. از دیدگاه نظریه پردازان انقلاب، مشکلات اقتصادی ایران در زمان انقلاب آن چنان نبود که هزاران و بلکه میلیون‌ها نفر از مردم به خیابان بریزند و سینه‌برهنه با مسلسل‌ها مواجه شوند؛ بنابراین ردپای این شورانگیزی را باید در جای دیگری جست‌وجو کرد (بریر و بلانشه، ۱۳۵۸، ص ۲۵۸).

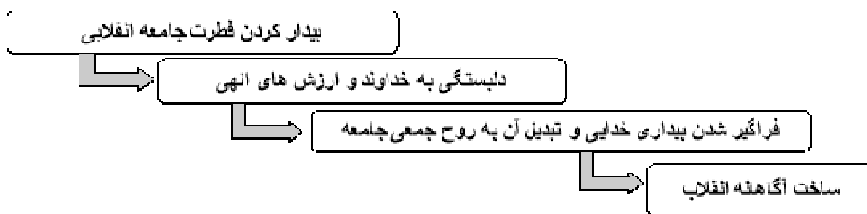
۲. در سطح دیگر، انقلاب به‌رغم ابتدا بر آگاهی، خود موجب احیای عقلانیت صحیح در جامعه و رشد قوای ادراکی و تحلیلی ملت می‌شود. در واقع، تقویت بُعد عقلانی جامعه یکی از مهم‌ترین خدماتی است که انقلاب اسلامی ارائه می‌کند و موجب شکوفایی حیات عقلانی شهروندان می‌گردد (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۵/۰۱).

آیت‌الله مصباح یزدی ضرورت آگاهانه‌بودن انقلاب اسلامی را با تحلیل هدف‌گذاری بنیادین انقلاب اثبات می‌کند. از دیدگاه وی، هدف اصلی و نهایی انقلاب اسلامی، استكمال معنوی آدمیان است و این هدف جز بر اثر افعال اختیاری آنان حاصل نمی‌شود. از همین رو آگاهانه‌بودن یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی است و رهبران انقلاب برخلاف دیگر انقلاب‌ها، هرگز برای جذب هر چه بیش‌تر مردم، به شیوه‌های اجبارکننده و تحمیلی متوسل نمی‌شوند، بلکه می‌کوشند با بیان صریح اهداف انقلاب، ایمان ملت به آنها را تقویت کنند تا آگاهانه و آزادانه به انقلاب پیوندند و از جان‌ودل، سقوط و انهدام نظام حاکم و استقرار نظام انقلابی را دنبال کنند؛ بدین منظور، پیشروان انقلاب، ابتدا تلاش می‌کنند با تحکیم و تقویت عقاید حقه در جامعه‌ی انقلابی، از آن عقاید در جهت مقاصد انقلاب بهره‌جویند. البته برخلاف رهبران دیگر انقلاب‌ها، از هر عقیده‌ای، ولو نادرست برای تقویت حرکت انقلابی استفاده نمی‌کنند؛ چنان‌که از تحریک و تهییج شدید احساسات و حاکم کردن عواطف غیرعقلانی بر فعالیت‌ها و کارهای آنان اجتناب می‌کنند و در مقابل، احساسات و عواطف جامعه‌ی انقلابی را تابع احکام و ادراکات عقل و آرا و عقاید صحیح قرار می‌دهند و آن‌گاه از آنها برای کامیاب ساختن انقلاب و محقق کردن اهداف آن سود می‌برند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ «الف»، صص ۴۱۰-۴۱۱).



از دیدگاه حکیمان، آگاهی بخشی و افزایش درک عقلانی مردم از روند انقلاب اسلامی در یک فرایند چندوجهی صورت می گیرد:

رهبران انقلاب، ابتدا نظام طاغوتی حاکم و وضعیت حاکم بر آن در ابعاد گوناگون را برای مردم تشریح می کنند تا هم وجه نامطلوبش برای مردم تبیین شود و هم با تجزیه و تحلیل دقیق، نقاط ضعف آن به خوبی روشن شود تا از این طریق، بتوانند قدرت اجتماعی را در جهت انقلاب هدایت کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱۴، ص ۳۵۱). رهبران از این طریق، مردم را بیدار می سازند و سپس با آموزش ارزش های انسانی، آنها را در مورد توانمندی های خویش به خودباوری می رسانند و بدین شکل قدرت انباشته شده ی ایشان را در جهت رهایی آزاد می کنند (خامنه ای، ۱۳۷۹/۱۲/۲۲). استاد مطهری معتقد است انقلاب اسلامی بر پایه ی نوع خاصی از آگاهی به نام خداآگاهی پدید می آید که در اعماق فطرت بشر ریشه دارد. هرگاه تذکری پیامبرانه، شعور فطری بشر را نسبت به آفریدگارش بیدار سازد، این بیداری خودبه خود به دل بستگی به خداوند منتهی می گردد. از آن جا که دل بستگی به خداوند ریشه ی همه ی ارزش ها است، به دنبال خود، دل بستگی به ارزش هایی چون عدالت، فداکاری و خیررسانی را در انسان به وجود می آورد؛ او را جوایب تعالی و متنفر از کاستی در هر شکل می نماید؛ به وی ایده می دهد و او را طرفدار حق و حقیقت و دشمن باطل و پوچی می کند. فراگیر شدن بیداری خدایی در جامعه و تبدیل آن به وجدان مشترک و روح جمعی، طبقات گوناگون اجتماعی را در یک حرکت هماهنگ، برای سرنگونی نظام طاغوت به حرکت درمی آورد. با توجه به برخورداری از این نوع آگاهی الهی است که وی، انقلاب اسلامی را از سنخ نهضت های انبیاء قلمداد می کند (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۴، صص ۶۸-۶۹).



اسکاچپول از نظریه پردازان مطرح انقلاب ایران که پیش از انقلاب با نوشتن کتاب دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی نظریه‌ی خود را درباره‌ی وقوع انقلاب بیان کرده بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۹۸۲ میلادی با نوشتن مقاله‌ای تحت عنوان «دولت رانتیر و اسلام شیعه در انقلاب ایران»، نظریه‌ی خود در تحلیل انقلاب‌ها را اصلاح کرد. او که در کتاب پیشین خود، در یک رویکرد کاملاً مارکسیستی، وقوع انقلاب‌ها را بیش‌تر ساختارگرایانه و جبری تحلیل می‌کرد و کم‌تر به نقش عناصر فرهنگی و ذهنی کنش‌گران در پیدایش انقلاب‌ها توجه داشت؛ در این مقاله، با تکیه بر وجوهی از انقلاب ایران همچون آگاهانه‌بودن آن، انقلاب اسلامی را چالشی برای نظریه‌ی خود یافت؛ لذا این‌گونه به خصلت متمایز بودن انقلاب ایران اشاره می‌کند:

اگر بتوان گفت که یک انقلاب در دنیا وجود داشته که عمداً و آگاهانه توسط یک نهضت اجتماعی توده‌ای ساخته شده است تا نظام پیشین را سرنگون سازد؛ به‌طورقطع، آن انقلاب، انقلاب ایران علیه شاه است. انقلاب آنها صرفاً نیامد، بلکه به‌صورت آگاهانه و منطقی ساخته شد. این انقلاب مرا وادار می‌سازد تا به درک خود درباره‌ی نقش بالقوه و محتمل دستگاه‌های عقاید و ادراکات فرهنگی در شکل‌بخشیدن به کنش‌های سیاسی، عمق و وسعت بیش‌تری ببخشم (اسکاچپول، ۱۳۸۲، صص ۲۶۵ - ۲۸۲).

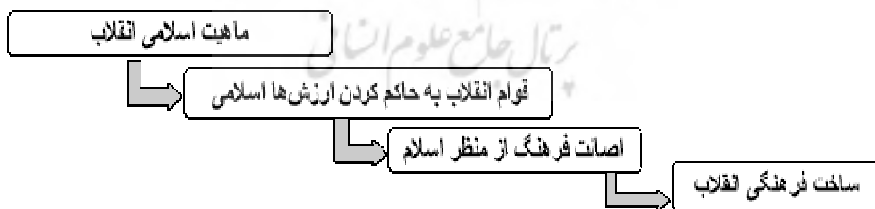
۴. ساخت فرهنگی

از منظر حکمت سیاسی، انقلاب اسلامی پیش از آن‌که انقلابی سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی باشد، انقلابی فرهنگی است و از این جهت شبیه قیام‌هایی است که انبیاء در طول تاریخ به آن اقدام کرده‌اند و به مصداق آیه «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ

يَثْلُوْا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِهٖ وَ يَزَكِّيْهِمْ وَ يَعْلَمُوْهُمْ الْكِتٰبَ وَ الْحِكْمَةَ وَ اَنْ كٰنُوْا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ؛ اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند» (جمعه، ۲)، قبل از ایجاد تغییرات بنیادین در ساختارهای سیاسی و اجتماعی، به تربیت و پرورش مردم و ایجاد انقلاب فرهنگی در جامعه پرداخته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۱۳). بنابراین چنان‌که آیت‌الله خامنه‌ای تأکید می‌کند، انقلاب اسلامی بر اساس اهداف فرهنگی تحقق می‌یابد و به مقوله‌ی فرهنگ و هویت ملی اهمیت بسیار می‌دهد (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸).

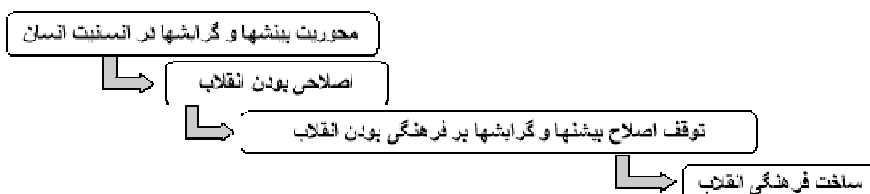
حکیمان سیاسی در تبیین چرایی تلقی فرهنگی از انقلاب اسلامی به چند دلیل تمسک می‌کنند:

۱. انقلاب اسلامی دارای ماهیت اسلامی است؛ زیرا اسلام، هم مردم را وادار به انقلاب می‌کند، هم برنامه‌ی همگانی انقلاب را در اختیار آنها قرار می‌دهد. انقلاب اسلامی نیز با هدف تحقق حاکمیت اسلام صورت می‌گیرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۱۰/۲۵)؛ بنابراین قوام انقلاب اسلامی به حاکم کردن ارزش‌ها و باورهای اسلامی است. حال از آن‌جاکه فرهنگ، اساسی‌ترین عنصر اسلام قلمداد می‌شود، بارزترین بُعد انقلاب اسلامی نیز به‌شمار می‌رود، تا جایی که معیار بقای انقلاب نیز، بقای بُعد فرهنگی آن است (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۸۸).

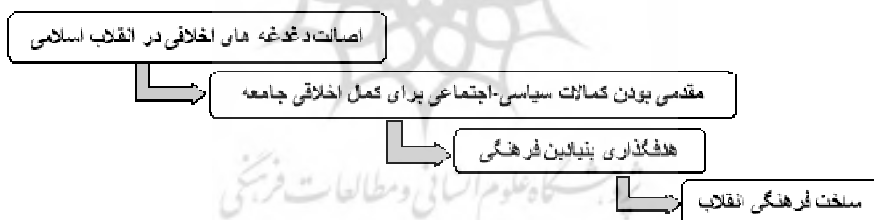


۲. بر اساس بنیان‌های حکمت سیاسی، انسانیت انسان به بینش و گرایش و دانش و ارزش‌های اوست؛ بنابراین انقلابی که می‌خواهد به انسانیت سود برساند، باید فرهنگی باشد تا بتواند بینش‌ها و گرایش‌های جامعه‌ی انقلابی را اصلاح کند و از این طریق، هم

آنها را برای شروع انقلاب مهیا کند و هم در فرایند انقلاب، جهت‌گیری جامعه را تعیین و اصلاح کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ «الف»، ص ۳۹۳)؛



۳. انقلاب اسلامی در عین حالی که از تأثیر عواملی همچون فقر مادی و ظلم اجتماعی در فراگیر شدن فساد غافل نیست، بیش‌تر به محروم ماندن مردم از کمالات اخلاقی و مسائل فرهنگی می‌اندیشد و اگر با پدیده‌های اجتماعی مانند فقر و ظلم هم مبارزه می‌کند، به دلیل تأثیر منفی‌ای است که هر یک از این پدیده‌ها در کمال معنوی و اخلاقی بشر دارند؛ بنابراین دغدغه و هدف‌گذاری اصلی انقلاب در حوزه فرهنگی است و دیگر بخش‌ها در امتداد آن تعریف می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ «الف»، ص ۴۱۰).



با توجه به آنچه گفته شد، ساخت فرهنگی یکی از ویژگی‌های متمایز انقلاب اسلامی در قیاس با سایر انقلاب‌هایی است که غالباً سیاسی یا اقتصادی هستند. این مسئله از باب نمونه، در شعارها و انگیزه‌های بنیادینی که در جریان انقلاب اسلامی ایران ظهور کرد نیز تأیید می‌شود. میشل فوکو در مقاله‌ی «تهران: دین بر ضد شاه» که در سال ۱۹۷۸ نوشت می‌گوید: هشت روز پیش از آن (۱۷ شهریور) هزاران تظاهرکننده، دست‌خالی، جلوی سربازان مسلح در خیابان‌های تهران رژه می‌رفتند و فریاد می‌زدند: «اسلام، اسلام»، «برادر ارتشی چرا برادر کشی؟ برای حفظ قرآن ارتش به ما بیوندد»، «خیمینی

خمینی تو وارث حسینی». در تاریخ انقلاب‌ها همواره قاعده بر این بوده است که وقتی مردم به خیابان‌ها می‌ریختند، حکومت به سرعت سقوط می‌کرد ولی امروز این احساسات برای ساقط کردن حکومت‌ها کافی نیست و جامعه‌ی انقلابی باید سلاح، ستاد، سازمان و آمادگی داشته باشد؛ اما در انقلاب اسلامی ایران چیزی هست که مایه‌ی تشویش محققین حوزه‌ی انقلاب است؛ چیزی که نه در چین می‌توان یافت نه در ویتنام نه در کوبا؛ موج عظیمی بدون ابزار نظامی، بدون پیشگام و بدون حزب (فوکو، ۱۳۷۷، صص ۲۸، ۴۳) که توانست با تکیه بر فرهنگ دینی و ملی ایرانیان آنها را به قیام علیه نظام حاکمی که مجهز به میلیاردها دلار تسلیحات نظامی، نیروهای مسلح، پلیس مخفی و آشکار که قاعدتاً همه‌ی آنها نیز آماده‌ی استفاده بود، فرابخواند و این امر به تعبیر نیکی کدی، حتی با الگوها و انتظارات کسانی که از اوضاع ایران به‌خوبی مطلع بودند نیز ناسازگار به نظر می‌رسید (کدی، ۱۳۷۵، ص ۱۵).

ب) ویژگی‌های ناظر به ساخت بیرونی

انقلاب اسلامی به لحاظ ساخت بیرونی خود که حاکی از برونداد انقلاب نیز هست، دارای ویژگی‌هایی است که به‌طور عمده در مظاهر عینی جامعه‌ی انقلابی ریشه دارند. این ویژگی‌ها در چهره‌ی بیرونی انقلاب نمود پیدا کرده و معرف کیفیت ساخت‌بندی عینی انقلاب می‌باشند. برخی از این ویژگی‌ها از منظر حکیمان سیاسی مسلمان عبارت‌اند از:

۱. ساخت مبتنی بر تحول درونی جامعه‌ی انقلابی

انقلاب پیامبران برخلاف دیگر انقلاب‌های اجتماعی، انسان را از درون و جهان را از بیرون به‌طور هم‌زمان آزاد می‌کند. از دیدگاه شهید صدر، این انقلاب‌ها، انقلابی اجتماعی علیه ظلم و هرگونه استثمار و بردگی هستند و به همین دلیل توده‌های استثمار شده را که از نظر روحی، در اثر اسطوره‌های خدایان دروغین از هم‌پاشیده شده‌اند و در اثر جهل، از نظر فکری نیز پراکنده گردیده و طعمه‌ی انواع بی‌عدالتی اجتماعی

می‌شوند، به سوی خود جذب می‌کنند؛ بنابراین انقلاب انبیاء از نظر کیفی از هر انقلاب اجتماعی دیگری در تاریخ متمایز است (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۳۳). بر همین اساس، انقلاب اسلامی نیز انقلابی همه‌جانبه است که در دو بُعد درونی و بیرونی صورت می‌گیرد. امام خمینی علیه السلام، ایجاد تحول روحی در مردم را یکی از مهم‌ترین آثار انقلاب اسلامی معرفی می‌کند تا جایی که آن را از پیروزی ظاهری انقلاب نیز مهم‌تر ارزیابی می‌کند: «یکی از برکات این نهضت، قضیه‌ی تحول روحی در جامعه‌ی ما هست که من مکرر این را گفته‌ام که این تحول روحی که در ایران پیدا شده است و این نهضت توانست این تحول روحی را ایجاد کند به خواست خدای تبارک و تعالی از این پیروزی که نصیب ما شده است و دست اجانب را کوتاه کردیم و دست خیانت کارها را، اهمیتش بیش‌تر است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۱۹۷؛ ج ۸، ص ۴۲۴).

شهید مطهری در تبیین چرایی اهمیت تحول روحی، به تأثیر تکامل روحی انقلابیون در تکامل انقلاب اشاره می‌کند که بر اساس آن، هرچقدر انقلاب روحی مردم کامل‌تر باشد، انقلاب اجتماعی نیز به همان میزان تکامل پیدا می‌کند (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۴، صص ۲۱۱-۲۱۲)؛ زیرا به گفته‌ی شهید صدر، کیان فکری و روحی انسان است که عامل اصلی بنا و نوسازی در تاریخ جوامع می‌باشد. توضیح آن که برخی، عامل اصلی انقلاب اسلامی را به دست گرفتن حکومت قلمداد کرده و گمان می‌کنند با دست‌یابی به قدرت، انقلاب به هدف خود رسیده است. بعضی دیگر، شرایط مادی بیرونی را عامل اصلی در یک انقلاب فراگیر در درون امت به‌شمار می‌آورند؛ چراکه گمان می‌کنند تغییر ابزار تولید از شکلی به شکل دیگر، انقلاب بزرگی است که جامعه را از نو می‌سازد؛ غافل از آن که این انسان است که شرایط مادی را می‌سازد، نه این که شرایط مادی انسان را بسازند و هر طور که می‌خواهند او را تغییر دهند. برخلاف این دو دیدگاه، اسلام بر اساس نگاه کلی خود به تاریخ انسان و جامعه که در آیه: «ان الله لا یغیر ما یقوم حَتّٰی یغیروا ما بانفسِهِمْ؛ بی‌تردید خداوند سرنوشت قومی را تغییر نمی‌دهد تا این که آن‌ها وضع خود را تغییر دهند» (رعد، ۱۱) تبیین شده است، تحول اجتماعی را تنها از طریق تغییر محتوای درونی انسان، اعم از افکار و احساسات امکان‌پذیر می‌داند. این انقلاب و تحول بزرگ معمولاً

در بازه‌ی زمانی کوتاهی صورت می‌پذیرد که شاید در طی آن، هیچ‌یک از شرایط مادی نیز تغییر نکنند؛ بنابراین تنها علت آن را می‌توان ایجاد تغییر در محتوای درونی فکری و عاطفی جامعه‌ی انقلابی دنبال کرد. این تغییر همان است که خداوند متعال در قرآن کریم از آن به‌عنوان تعلیم و تزکیه یاد می‌کند: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يَعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ أَنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لُفَى ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ خداوند بر مؤمنان منت نهاد هنگامی که در میان آن‌ها، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها بخواند، و آن‌ها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند» (آل‌عمران، ۱۶۴) (صدر، ۱۳۹۳، صص ۳۰۹-۳۱۰).

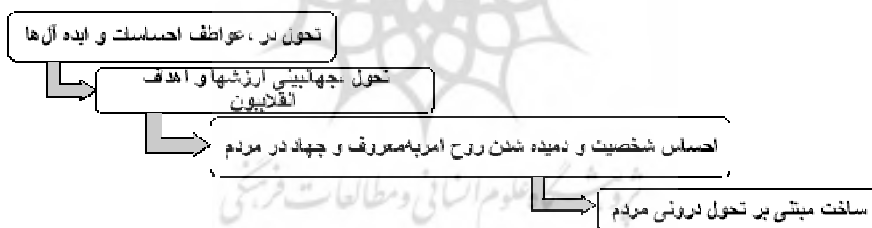
درباره‌ی گستره‌ی تحول درونی، توجه به این نکته ضروری است که این تحول در عواطف، احساسات و ایده‌آل‌ها شکل می‌گیرد؛ اما به تبع آن، جهان‌بینی، ارزش‌ها و اهداف انقلابیون را به کلی تغییر می‌دهد و از این جهت، شهید مطهری آن را دارای دو رکن اساسی قلمداد می‌کند:

۱. احساس شخصیت: رهبران انقلاب از طریق آشنا کردن مردم با تاریخ و آموزه‌های دینی خود، ایمان آن‌ها به خود را تقویت و روحیه‌ی خودباختگی را از ایشان دور می‌کنند؛

۲. دمیده‌شدن روح امر به معروف و جهاد در مردم: گاهی ممکن است مردم در عین نارضایتی از نظام موجود، نسبت به آن تسلیم باشند؛ اما رهبران انقلاب با تزریق روح انکار، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، زمینه‌ی به حرکت درآوردن آن‌ها را فراهم می‌کنند و همین مسئله، دگرگونی روحی بنیادین در جامعه به وجود می‌آورد (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۴، صص ۱۴۹-۱۵۰؛ ۱۳۶۸، ج ۲۴، صص ۲۱۱-۲۱۲، ۲۲۳).

حکیمان سیاسی مسلمان، در این که انقلاب درونی ملت، زمینه‌ی تحقق و پیروزی انقلاب اسلامی را فراهم می‌کند، اشتراک نظر دارند؛ چرا که از دیدگاه ایشان، انقلاب در مناسبات اجتماعی و اقتصادی، متفرع بر انقلاب در مردم است و تا مردم منقلب نشوند و افکار و خلیات و حقیقت وجود آن‌ها در جهت مطلوب متحول نشود،

مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هم تغییر نمی‌کند (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۲/۰۱)؛ بلکه از دیدگاه استاد مطهری، اگر انقلاب اجتماعی نیز انجام شود، به ثمر نمی‌رسد (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۴، ص ۲۲۳) و یا مانند دیگر انقلاب‌ها، تنها به جابه‌جایی قدرت میان دو گروه خواهد انجامید. البته باید در نظر داشت که چنان‌که امام خمینی علیه السلام تأکید می‌کند، ایجاد تحول روحی به فلسفه، جهان‌بینی و اسلام‌شناسی مردم مرتبط نیست، بلکه یک امداد غیبی الهی و امری غیرعادی و از معجزات الهی است که به خواست و اراده‌ی خداوند صورت می‌گیرد: «ما از خود چیزی نداریم، هر چه بود عنایات او بود که این عنایات موجب شد که این انقلاب باطنی پیدا بشود و از آن حالتی که همه‌ی خود ملت ما می‌دانند در سابق بود، به این حالت که حالا می‌بینند متحول شده است. این موجب شد که انقلاب پیروز شد. پیروزی را ما باید از انقلاب درونی مردم جست‌وجو کنیم و تا این معنا حاصل نشود، انقلاب‌ها یک انقلاب‌های تحویل قدرت از او به قدرت دیگر است و وضع برای ملت همان‌جور که بوده، می‌باشد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹، ص ۴۷۹؛ امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۴۹۲).



تحول درونی در فرایند انقلاب اسلامی اختصاصی به طبقه‌ی خاصی از مردم ندارد و در یک گستره‌ی عمومی از نزدیک‌ترین تا دورترین اقشار به فضای انقلابی را در برمی‌گیرد. فوکو در تحلیل راهپیمایی‌های صورت گرفته در جریان انقلاب اسلامی معتقد است هر که می‌توانست راهپیمایی کند، به‌نوعی در این امر مشارکت می‌کرد. وی از زن جوانی بحث می‌کند که در ظاهر متعلق به طبقه‌ی بورژوازی بزرگ غربی در تهران است که تاکنون محله‌ی خود را در شمال شهر ترک نکرده است؛ اما ناخودآگاه به سیل انقلابیون پیوسته بود: «او خود به‌تنهایی تحولی را که در قشر اجتماعی‌اش

صورت گرفته قبول می‌کند. او که طرفدار نهضت آزادی زن است فریاد کشیده؛ زنده‌باد خمینی، مرگ بر شاه. از فرط هیجان گریسته؛ زیرا به قول خودش حس ایرانیت خود را باز یافته است» (بربر و بلائشه، ۱۳۵۸، ص ۱۱۵). این بروز و ظهورها در میان یک ملت در یک بازه‌ی زمانی نه‌چندان طولانی که می‌تواند طیف‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را به میدان مبارزه با نظام حاکم بکشانند را شاید نتوان به معنای واقعی کلمه از طریق فرمول‌های رایج روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی تجزیه و تحلیل کرد؛ این که ۵۰۰ هزار نفر در ۷ سپتامبر ۱۹۷۹ در تهران به صورت کفن‌پوش به سوی ساختمان مجلس در تهران روانه شدند، بیان‌گر آن بود که جامعه‌ی انقلابی تا سرحد مرگ حاضر است برای آرمان انقلابی خود هزینه پرداخت کند (دفرنزو، ۱۳۷۹، ص ۷۸) و این امر جز از طریق ایجاد تحول درونی عمیق در مردم امکان‌پذیر نیست. از دیدگاه حامد الگار، این‌جا مسئله‌ی ظهور واقعیت و مظاهر واقعی مطرح است. در غیر این صورت، چگونه بود که ایرانیان توانستند بدون برخورداری از منابع مادی که در اختیار آنان بود با یکی از مجهزترین ارتش‌های دنیا مقابله کرده و رویاروی همه‌ی قدرت‌های بزرگ جهانی ایستاده و درنهایت به پیروزی برسند؟ مورخین غربی تا صدسال دیگر نیز از رویداد ایران دچار سرگیجه خواهند بود. اما هر مسلمانی وقتی در عمق واقعه می‌نگرد، مشاهده خواهد کرد که رهبری امام خمینی علیه‌السلام و ابعاد اخلاقی و روحی که ایشان به انقلاب ایران بخشیدند چنین موفقیتی را ممکن ساختند (الگار، بی‌تا، صص ۵۴-۵۵)؛ زیرا جامعه‌ی ایرانی را در بنیان روحی خود، دچار انقلاب و تحول عمیق کرد.

۲. ساخت همگانی

لازمه‌ی پیروزی یک انقلاب آن است که طبقات مختلف، نیروهای خود را تجمیع کرده و در مسیر انقلاب متحد شوند. از همین رو، شکل‌گیری انقلاب نیازمند وجود انگیزه‌ای مشترک است که از خطوط طبقاتی درگذرد و شهروندان جامعه‌ی انقلابی را فارغ از سلاقی و منظرهای متکثر گرد یکدیگر جمع کند (دفرنزو، ۱۳۷۹، ص ۲۸). برخورداری از ساخت همگانی، یکی دیگر از ویژگی‌های کم‌نظیر انقلاب اسلامی

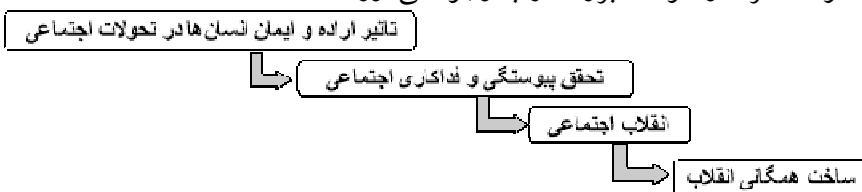
است. از منظر حکیمان مسلمان، انقلاب اسلامی به عموم مردم تعلق دارد و هیچ قشر و طبقه‌ای، نه بر دیگران ترجیحی دارد و نه می‌تواند ادعای مالکیت بر انقلاب را داشته باشد. از دیدگاه شهید مطهری، اساساً فراگیر بودن انقلاب اسلامی مانع از اختصاص آن به گروهی خاص، حتی طبقه‌ی محرومین است؛ بلکه همه‌ی اقشار مردم اعم از غنی و فقیر، مرد و زن، شهری و روستایی و باسواد و بی‌سواد در آن مشارکت دارند و از این جهت، انقلابی فراگیر است که همه‌ی گروه‌ها و طبقات را شامل می‌شود. البته ممکن است حرکت انقلابی از یک نقطه و بر دوش قشر خاصی از جامعه آغاز شود، اما تدریجاً در همه‌ی اقشار اجتماعی، حتی بعضاً در گروه‌های وابسته به نظام حاکم نیز اثر می‌گذارد و آنها را با انقلاب همراه می‌کند (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۴، صص ۶۷، ۳۶۴).

رهبران انقلاب اسلامی نیز در فرایند شکل‌گیری و اوج‌گیری انقلاب تلاش می‌کنند همه‌ی نیروهای کارآمد را شناسایی و جذب کنند؛ چراکه انقلاب را نه برای به قدرت رسیدن یک فرد، گروه یا قشر خاص، بلکه برای رشد همه‌ی مردم انجام می‌دهند و از این رو، استفاده از ظرفیت همه‌ی اقشار جامعه را در جهت پیروزی انقلاب ضروری می‌دانند؛ بنابراین در مقام مخاطب و مفاهمه با ملت نیز به گونه‌ای رفتار می‌کنند که بتوانند ایده‌ی مبنایی خود را در میان همه‌ی لایه‌های اجتماعی توسعه دهند و همه‌ی طبقات را در ذیل آن ایده‌ی بنیادین در خدمت اهداف انقلاب اسلامی به کار گیرند (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ «الف»، ص ۴۱۲). همگانی بودن انقلاب اسلامی در انقلاب ایران کاملاً آشکار است. از دیدگاه نظریه‌پردازان انقلاب، تأیید مردمی انقلاب ایران در میان دیگر انقلاب‌ها بی‌نظیر بود: «حکومت اسلامی به‌ویژه از سوی طبقات محروم و متوسط جامعه کاملاً پشتیبانی شد؛ زیرا آنها خواسته‌ها و گرایش‌های خود را در آن می‌دیدند» (ابوالنصر، ۱۳۷۸، ص ۱۲۳).

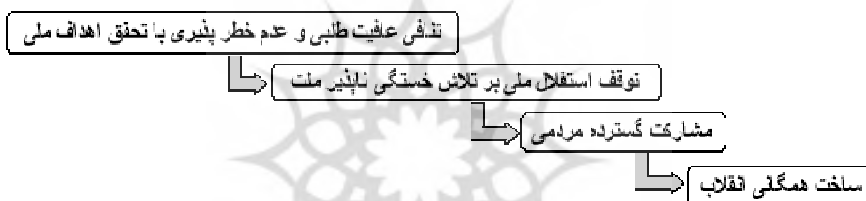
حکیمان برای تبیین ساخت همگانی انقلاب اسلامی سه دسته دلیل ارائه می‌کنند:

۱. بنا بر سنت الهی، اراده و ایمان انسان‌ها منشأ تحولات اجتماعی است؛ از این رو انقلاب‌های بزرگ نه به وسیله قدرتمندان و زورمداران عالم، بلکه معلول عوامل دیگری چون پیوستگی، حرکت و فداکاری همه‌ی اقشار مردم است که بر سرنوشت بشر

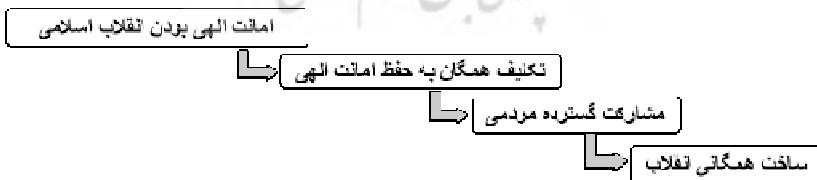
حکومت کرده و حوادث بزرگ را به وجود می آورند (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۳/۱۴)؛



۲. استقلال و آزادی ملت تنها با تلاش و تحمل سختی‌ها به دست می‌آید و در غیر این صورت، هیچ ملتی نمی‌تواند با عافیت‌طلبی و عدم خطرپذیری به اهداف خود برسد؛ بنابراین همه‌ی طبقات اجتماعی وظیفه دارند با تحمل مشکلات، در صحنه‌ی انقلاب حاضر باشند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۲/۱۱)؛



۳. انقلاب اسلامی امانتی الهی است که همگان برای حفظ آن مکلف هستند (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴)؛ بنابراین طبق دیدگاه شهید صدر، بر همه‌ی اقشار ملت واجب است از انقلاب اسلامی بهره‌برداری نموده و در محقق ساختن اهداف آن تلاش کنند (صدر، ۱۴۳۴ق، ج ۱۷، ص ۳۳۴).



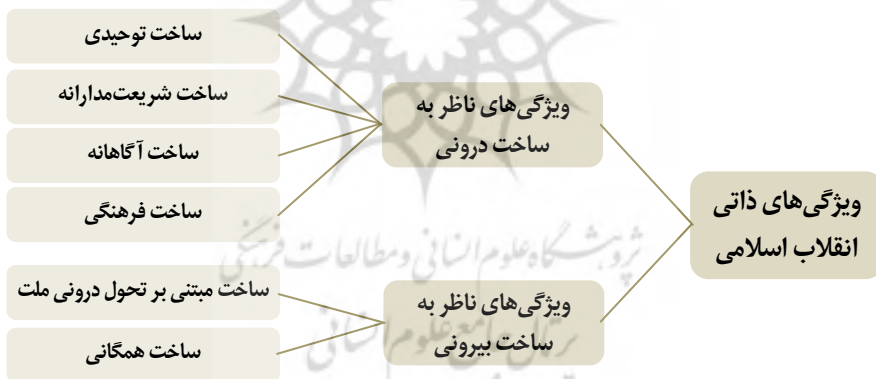
از دید تحلیل گران مخالف انقلاب ایران مانند استمپل، که خود جزء مأمورین سفارت آمریکا در ایران بود، مهم‌ترین عامل مضطرب‌کننده در مورد جنبش اسلامی

امام خمینی علیه السلام، دکترین جنبش نبود، بلکه بسیج مؤثر آن بود که گروه‌های مختلف اجتماعی را برای حمایت از یک انقلاب اسلامی، متشکل کرد (استمپل، ۱۳۷۸، ص ۴۳۶). بر همین اساس فضیل ابوالنصر، دلیل کامیابی انقلاب ایران را در ایجاد وحدت ملی فراگیری می‌داند که مدت‌های مدید ایران به خود ندیده بود. از دیدگاه وی، انقلاب با گرایش‌های اسلامی‌اش، تفرقه و نژادپرستی را پشت سر نهاد و به همین دلیل، همه‌ی مردم احساس کردند که مسلمانان یک کشور اسلامی هستند، قرابت ملی، آنان را چنان به هم محکم کرد که ایران تا پیش از آن، شاهدش نبود؛ برای نخستین بار، ایران جدید، همه‌ی گروه‌های ملی‌گرا و نژادپرست را نفی و وحدت کلمه‌ای پیرامون اصول سرچشمه گرفته از میراث اسلامی به وجود آورد که توانست اقبال گوناگون مردم را در مسیر انقلاب قرار دهد (ابوالنصر، ۱۳۷۸، ص ۱۲۲).

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی در مفهوم فلسفی آن، انقلابی است مبتنی بر زیرساخت‌های نظری الهی-اسلامی و ریشه‌دار در فطرت الهی و دغدغه‌های انسانی مردمی که با آرمان ساخت جامعه اسلامی، علیه نظم طاغوتی حاکم قیام می‌کنند. آنچه انقلاب اسلامی را عمیقاً از دیگر انقلاب‌ها متمایز می‌کند، ویژگی‌های خاصی است که این انقلاب به دلیل ماهیت الهی-مردمی خود از آنها برخوردار است و روی هم رفته هویت انقلاب را شکل می‌دهند. از این منظر، حکیمان سیاسی مسلمان، ویژگی‌های ذاتی انقلاب اسلامی را در دو دسته ویژگی‌های ناظر به ساخت درونی و ویژگی‌های ناظر به ساخت بیرونی مورد بررسی قرار می‌دهند. ویژگی‌های ناظر به ساخت درونی ریشه در منابع ناملموس جامعه‌ی انقلابی دارند و از یک سو در ساخت توحیدی انقلاب متبلور می‌شوند که به آن بُعدی الهی می‌بخشد و از سوی دیگر، از آن جا که انقلاب در تمام مراحل خود بر پایه‌ی آموزه‌های شریعت صورت می‌گیرد، از ساخت شریعت مدارانه برخوردار است. افزون بر آن که انقلاب اسلامی، انقلابی مبتنی بر خودآگاهی است؛ زیرا هم مردم با درک دقیق از شرایط موجود و آینده‌ی پیش رو به وادی انقلاب گام می‌نهند و هم رهبران انقلاب با

تعمیق آگاهی و نه تحمیق ایشان، آنها را به انقلاب فرامی خوانند؛ بنابراین انقلاب دارای ساختی آگاهانه است. در سطح ویژگی‌های ناظر به ساخت بیرونی، اولاً انقلاب اسلامی دارای ساخت فرهنگی است؛ نه به این معنا که فاقد دغدغه‌های اقتصادی و سیاسی است، بلکه یعنی انقلاب اسلامی بر اساس نگاه فرهنگی و اصالت دادن به بُعد فرهنگی تحقق می‌یابد و هدف‌گذاری اصلی آن نیز در ذیل فرهنگ تعریف می‌شود که به صورت تبعی حوزه‌ی اقتصاد و سیاست را نیز در برمی‌گیرد. از سوی دیگر، انقلاب اسلامی بر اساس انقلاب روحی و فکری مردم تحقق می‌یابد؛ بنابراین رهبران انقلاب، تحولات اجتماعی را در ادامه‌ی ایجاد تحول درونی در جامعه‌ی انقلابی دنبال می‌کنند. در نهایت، ویژگی بارز انقلاب اسلامی، فراگیر بودن آن در میان همه‌ی اقشار و اصناف ملت است که به آن ساختی همگانی می‌بخشد. مجموعه‌ی این ویژگی‌ها در کنار تبیین استدلالی آنها توسط حکیمان سیاسی مسلمان، چهره‌ی متفاوتی به انقلاب اسلامی می‌بخشد و زمینه را برای ارائه‌ی الگویی جذاب از انقلاب اجتماعی فراهم می‌کند.



فهرست منابع

* قرآن کریم.

ابوالنصر، ف. (۱۳۷۸). رویارویی غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی. (مترجم: ح. جودکی). تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

استمپل، ج. (۱۳۷۸). درون انقلاب ایران. (مترجم: م. شجاعی). تهران: رسا.

اسکاچپول، ت. (۱۳۸۲). دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران. (مترجم: م.ت. دلفروز). مطالعات راهبردی، ۶(۱۹)، صص ۱۱۹-۱۴۱.

برنجکار، ر. (۱۳۷۹). مفهوم حکمت در قرآن و حدیث. در: صحیفه مبین (مجموعه مقالات)، شماره ۴، صص ۸۵-۱۰۰.

برومبرزوه، ک. (۱۳۸۴). اسلام و انقلاب در ایران: چند اثر و نشانه برای یک قرائت و تحلیل. در: اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران (مترجم: م.ب. خرمشاد). تهران: انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

بریر، ک.؛ بلانشه، پ. (۱۳۵۸). ایران؛ انقلاب به نام خدا. (مترجم: ق. صنعوی). تهران: انتشارات سحاب کتاب.

جوادی آملی، ع. (۱۳۸۳). تفسیر موضوعی قرآن مجید (ج ۱۴). قم: نشر اسراء.

حلی، ح. (۱۳۸۱). الجوهر النضید فی شرح منطق التجرید. (مصحح: م. بیدارفر). قم: بیدار.

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۶۶/۰۶/۳۱). بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل؟ قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8089>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۶۸/۰۴/۰۵). بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور. قابل دسترس

در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2113>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۶۹/۰۳/۰۷). بیانات در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2315>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۶۹/۰۳/۱۰). پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام.

قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2316>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۶۹/۱۲/۰۱). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2428>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۷۰/۰۳/۲۶). پیام به کنگره عظیم حج. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2464>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۷۱/۰۴/۲۲). بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های عاشورا. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2627>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۷۱/۱۰/۱۹). بیانات در دیدار مردم قم. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2648>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۷۹/۰۲/۲۳). بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3005>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۷۹/۰۳/۱۴). بیانات در مراسم یازدهمین سالگرد رحلت امام خمینی. قابل

دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3010>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۷۹/۱۱/۲۷). بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری. قابل دسترس

در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3051>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۷۹/۱۲/۲۲). بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی

امیرکبیر. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7585>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۰/۰۸/۱۲). بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3092>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۳/۰۲/۲۸). بیانات پس از بازدید از سازمان صدا و سیما. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3232>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۳/۱۱/۱۹). بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی

ارتش. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3270>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۵/۱۰/۲۵). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هم‌اندیشی علمای اهل تسنن

و تشیع. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3375>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۷/۰۲/۱۱). بیانات در دیدار مردم شیراز. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3427>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۷/۰۳/۱۴). بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی. قابل

دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3463>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۸/۱۰/۲۹). بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی.

قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8629>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۹۰/۰۵/۲۴). بیانات در دیدار جمعی از شعراء. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16980>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۹۳/۰۵/۰۱). بیانات در دیدار دانشجویان. قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27046>

خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۹۴/۰۶/۲۵). بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. قابل

دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>

خسروپناه، ع. (۱۳۸۸). چیستی حکمت در قرآن، روایت و فلسفه. مشکوه، شماره ۱۰۳، صص

۱۲-۳۶.

خمینی، ر.ا. (۱۳۷۸). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی. (ج. ۶، ۸، ۱۰، ۱۶، ۱۹، ۱۴). تهران:

انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.

دفرنوز، ج (۱۳۷۹). انقلاب اسلامی ایران از چشم‌اندازی نظری. (مترجم: ح. مشیرزاده). تهران:

انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

دهخدا، ع.ا. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. (ج. ۳). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دیگارد، ژ.پ. (۱۳۸۴). مردم‌شناسان نزد آیت‌الله‌ها: رهیافت‌های مردم‌شناسانه از انقلاب ایران.

در: اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران (مترجم: م.ب. خرمشاد). تهران:

انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

زاگرم، ف. (۱۳۸۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی دین. (مترجم: خ. دیهیمی). تهران: انتشارات لوح فکر.

شهرزوری، م. (۱۳۸۳). رسایل الشجره الالهیه فی علوم الحقایق الربانیه. (ج ۱). تهران: انتشارات موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

صدر، م.ب. (۱۳۹۳). بارقه‌ها. (مترجم: ا. موذنی). قم: انتشارات مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشیهد الصدر.

صدر، م.ب. (۱۴۲۱ق). الاسلام یقود الحیاه. در: الاسلام یقود الحیاه، المدرسه الاسلامیه، رسالتنا. قم: انتشارات مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشیهد الصدر.

صدر، م.ب. (۱۴۳۴ق). موسوعه الإمام الشهد السید محمدباقر الصدر. (ج ۱۷). قم: انتشارات مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للشیهد الصدر.

علیخانی، ع.ا. (۱۳۹۷). خرد خفته؛ فلسفه و حکمت سیاسی اسلامی و گذار به سیاست عملی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

فوران، ج. (۱۳۷۹). انقلاب ۱۹۷۷-۱۹۷۹: چالشی بر تئوری اجتماعی. در: رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات). قم: انتشارات معارف.

فوکو، م. (۱۳۷۷). ایرانی‌ها چه رویایی در سر دارند؟ (مترجم: ح. معصومی همدانی). تهران: انتشارات هرمس.

فوکو، م. (۱۳۷۹). ایران: روح یک جهان بی‌روح. (مترجمان: ا. جهان‌دیده و ن. سرخوش). تهران: نشر نی.

کدی، ن. (۱۳۷۵). ریشه‌های انقلاب ایران. (مترجم: ع.ر. گواهی). تهران: نشر فرهنگ اسلامی.

الگار، ح. (بی‌تا). ایران و انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

مصباح یزدی، م.ت. (۱۳۸۰). چکیده‌ای از اندیشه‌های بنیادین اسلامی. (مترجم: ح.ع. عربی). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، م.ت. (۱۳۸۸). مشکات: نظریه حقوقی اسلام. (ج ۲، نگارش: م.م. کریمی‌نیا و م.م. نادری قمی). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، م.ت. (۱۳۹۰الف). مشکات: جامعه و تاریخ از نگاه قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، م.ت. (۱۳۹۰ب). مشکات: نظریه سیاسی اسلام. (نگارش: ک.ک. سبحانی). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، م.ت. (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن. (محقق: ق. شبان‌نیا). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مطهری، م. (۱۳۶۸). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. (ج ۱-۲، ۲۴). تهران: انتشارات صدرا.

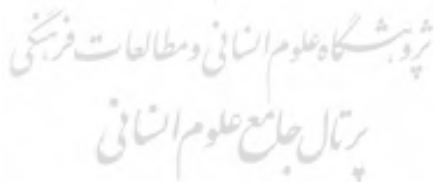
مطهری، م. (۱۳۷۸). یادداشت‌های شهید مطهری. (ج ۴، ۱۰ و ۱۲). تهران: انتشارات صدرا.

نصیرالدین طوسی، م. (۱۳۷۵). اساس الاقتباس. در: تعلیقه براساس الاقتباس. (تعلیقه: س.ع. انوار). تهران: نشر مرکز.

یوسفی‌راد، م. (۱۳۸۶). امکان فلسفه سیاسی اسلام. قم: انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

Oxfordlearnersdictionaries. (2020). URL=<https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/revolution?q=Revolution>.

Robertson, D. (2004). *The Routledge Dictionary of Politics*. London: Taylor & Francis e-Library.



References

* Holy Quran

- Abolnaser, F. (1378 AP). *Confrontation between Westernism and Islamism*. (H. Joudaki, Trans.). Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. [In Persian]
- Algar, H. (n.d.). *Iran and the Islamic Revolution*. Tehran: Sepah Pasdaran Publications. [In Persian]
- Alikhani, A. A. (1397 AP). *Dormant Wisdom: Islamic Political Philosophy and Transition to Practical Politics*. Tehran: University of Tehran Publications. [In Persian]
- Birir, K., & Blanchet, P. (1358 AP). *Iran; Revolution in the Name of God*. (Q. Sanavi, Trans.). Tehran: Sahab Ketab Publications. [In Persian]
- Branjkar, R. (1379 AP). *The Concept of Wisdom in the Quran and Hadith*. *Mubeen Journal* (Collection of Articles). 4, pp. 85-100. [In Persian]
- Broomberzheh, K. (1384 AP). *Islam and the Revolution in Iran: Several Effects and Signs for an Interpretation and Analysis*. In: *Intellectuals of Social Sciences and the Islamic Revolution in Iran*, M.B. Khorramshad. Tehran: Center for Recognition of Islam and Iran Publications. [In Persian]
- Dekhoda, A. A. (1377 AP). *Dictionary*. Tehran: University of Tehran Publications (Vol. 3). [In Persian]
- Delfrooz, J. (1379 AP). *The Islamic Revolution of Iran from a Theoretical Perspective*. (H. Moshirzadeh, Trans.). Tehran: Center for Recognition of Islam and Iran Publications. [In Persian]
- Digard, J. P. (1384 AP). *Anthropologists in the Eyes of Ayatollahs: Anthropological Approaches to the Iranian Revolution*. In: *Intellectuals of Social Sciences and the Islamic Revolution in Iran* (M. B. Khorramshad Ed.) Tehran: Center for Recognition of Islam and Iran Publications. [In Persian]

- Foran, J. (1379 AP). *The 1977-1979 Revolution: A Challenge to Social Theory. In: Theoretical Approaches to the Islamic Revolution* (Collection of Articles). Qom: Ma'arif Publications. [In Persian]
- Foucault, M. (1377 AP). *What Dreams Do Iranians Have?* (H. Masoumi, Trans.). Tehran: Hermes Publications. [In Persian]
- Foucault, M. (1379 AP). *Iran: The Spirit of a Lifeless World.* (Jahandideh, A., & Sarkhosh N, Trans.). Tehran: Nashr-e Ney Publications. [In Persian]
- Halli, H. (1381 AP). *Al-Jawhar al-Nadid fi Sharh Mantiq al-Tajreed.* (M. Bidarfar, Ed.). Qom: Bidar Publications. [In Arabic]
- Javadi Amoli, A. (1383 AP). *Thematic Interpretation of the Noble Quran.* (Vol. 14). Qom: Esra Publication. [In Persian]
- Kadi, N. (1375 AP). *The Roots of the Iranian Revolution.* (A. R. Gavahi, Trans.). Tehran: Farhang-e Eslami Publications. [In Persian]
- Khamenei, S. A. (01/05/1393). *Statements in the meeting with students.* Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=27046>
- Khamenei, S. A. (11/02/1387). *Statements in the meeting with the people of Shiraz.* Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3427>
- Khamenei, S. A. (12/08/1380). *Statements in the meeting with the youth of Isfahan province.* Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3092>
- Khamenei, S. A. (14/03/1379). *Statements in the ceremony of the 11th anniversary of the passing of Imam Khomeini (RA).* Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3010>
- Khamenei, S. A. (14/03/1387). *Statements in the ceremony of the 19th anniversary of the passing of Imam Khomeini (RA).* Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3463>
- Khamenei, S. A. (19/11/1383). *Statements in the meeting with a group of commanders and staff of the Air Force of the Army.* Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3270>

- Khamenei, S. A. (24/05/1390). *Statements in the meeting with a group of poets*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=16980>
- Khamenei, S. A. (25/06/1394). *Statements in the meeting with commanders of the Islamic Revolutionary Guard Corps*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=30791>
- Khamenei, S. A. (25/10/1385). *Statements in the meeting with participants of the joint gathering of Sunni and Shia scholars*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3375>
- Khamenei, S. A. (27/11/1379). *Statements in the meeting with members of the Assembly of Experts*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3051>
- Khamenei, S. A. (28/02/1383). *Statements after visiting the Islamic Republic of Iran Broadcasting (IRIB) organization*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3232>
- Khamenei, S. A. (29/10/1388). *Statements in the meeting with members of the Islamic Propagation Coordination Council*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8629>
- Khamenei, S. A. (April 12, 1993). *Speech in a meeting with Ashura Garrison commanders*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2627>
- Khamenei, S. A. (April 26, 1989). *Speech in a meeting with workers from across the country*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2113>
- Khamenei, S. A. (December 12, 2000). *Speech in a question and answer session with students of Amirkabir University of Technology*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7585>
- Khamenei, S. A. (February 13, 2001). *Speech in Friday prayer sermons in Tehran*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3005>
- Khamenei, S. A. (January 10, 1993). *Speech in a meeting with the people of Qom*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2648>

- Khamenei, S. A. (June 1, 1990). *Message on the occasion of the first anniversary of the passing of Imam Khomeini*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2316>
- Khamenei, S. A. (June 21, 1987). *Speech at the United Nations General Assembly?* Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8089>
- Khamenei, S. A. (March 16, 1992). *Message to the grand Hajj congress*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=2464>
- Khamenei, S. A. (May 27, 1990). *Speech in a meeting with Friday prayer leaders from across the country*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2315>
- Khamenei, S. A. (November 22, 1990). *Speech in a meeting with members of the Assembly of Experts*. Available at: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2428>
- Khomeini, R. A. (1378 AP). *Imam's Notebook: The Collection of Imam Khomeini's Works*. (Vols. 6, 8, 10, 14, 16, 19). Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Persian]
- Khosropanah, A. (1388 AP). The Essence of Wisdom in the Quran: Narration and Philosophy. *Mashkoo*, 103, pp. 12-36. [In Persian]
- Mesbah Yazdi, M. T. (1392 AP). *The Islamic Revolution and Its Roots*. (Q. Shabannejad, Ed). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications. [In Persian]
- Mosbah Yazdi, M. T. (1380). *A Summary of Fundamental Islamic Thoughts* (H. A. Arabi, Trans.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications. [In Persian]
- Mosbah Yazdi, M. T. (1388 AP). *Mashkat: Islamic Legal Theory* (Kariminia. M. M., & Naderi Ghomi. M. M, Eds., Vol. 2). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications. [In Persian]
- Mosbah Yazdi, M. T. (1390 a AP). *Mashkat: Society and History from the Perspective of the Quran*. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications. [In Persian]

- Mosbah Yazdi, M. T. (1390 b AP). Mashkat: *Islamic Political Theory*. (K. Sobhani, Ed.). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications. [In Persian]
- Motahhari, M. (1368 AP). *The Collection of Works by Martyr Professor Motahhari*. (Vols. 1-2, 24). Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Motahhari, M. (1378 AP). *Memoirs of Martyr Motahhari*. (Vols. 4, 10, 12). Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Nasir al-Din Tusi, M. (1375 AP). *Asas al-Iqtibas*. In: *Ta'liqah bar Asas al-Iqtibas* (S. A. Anwar, ED.). Tehran: Markaz Publishing. [In Persian]
- Oxfordlearnersdictionaries* (2020). URL= <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/revolution?q=Revolution>.
- Robertson, D. (2004). *The Routledge Dictionary of Politics*. London: Taylor & Francis e-Library.
- Sadr, M. B. (1393 AP). *Bareqah* (A. Mowzani, Trans.). Qom: Center for Research and Specialized Studies of Shahid Sadr. [In Persian]
- Sadr, M. B. (1421 AH). *Al-Islam Yaqood al-Hayah*. In: *Al-Islam Yaqood al-Hayah, Al-Madrasah al-Islamiyyah, Risalatuna*. Qom: Center for Research and Specialized Studies of Shahid Sadr. [In Arabic]
- Sadr, M. B. (1434 AH). *Encyclopedia of Imam Shahid Sayyid Muhammad Baqir al-Sadr*. (Vol. 17). Qom: Center for Research and Specialized Studies of Shahid Sadr. [In Arabic]
- Shahrezouri, M. (1383 AP). *Rasayel al-Shajarah al-Ilahiyyah fi 'Ulum al-Haq'a'iq al-Rabbaniyah*. (Vol. 1). Tehran: Institute for Wisdom and Philosophy Studies Publications. [In Persian]
- Skatchpool, T. (1382 AP). The Ranter Government and Shia Islam in the Iranian Revolution. (M.T. Delfrooz, Trans.). *Strategic Studies Journal*, 6(19), pp. 119-141. [In Persian]
- Stempel, J. (1378 AP). *Inside the Iranian Revolution*. (M. Shojai, Trans.). Tehran: Rasa. [In Persian]

- Youssefi Rad, M. (1386 AP). *The Possibility of Islamic Political Philosophy*. Qom: Islamic Sciences and Culture Research Institute Publications. [In Persian]
- Zakerman, F. (1384 AP). *An Introduction to the Sociology of Religion* (Deyhimi.K, Trans.). Tehran: Louh-e Fekr Publications. [In Persian]

